

۱۳۱۴ هجری قمری در تهران اتفاق افتاد ولی در سجل احوال که چندسالی بعد گرفته شده، ۱۲۷۴ هجری شمسی نوشته شده که مقارن ۱۳۱۲ قمری می شود یعنی دو سال اضافه نوشته اند.

این دست نوشته ها ادامه داشت و حسین گل گلاب در این چند صفحه کم و بیش کارهایش را نوشته بود.

حسین گل گلاب با موسیقی آشنا بود و آشنایی بیشترش با بنیاد مدرسه ی موسیقی وزیری که کلنل علینقی وزیری، بنیان گذارش بود، آغاز شد. استاد روح الله خالقی که ساخت آهنگ بسیاری از سروده های گل گلاب را انجام می داد، در خاطراتش می نویسد: «تصور نمی شد یک مرد عالم فیزیک دان و شیمی و ریاضی دان و نبات شناس و سنگ شناس، شعر هم بگوید! استعداد فوق العاده ای داشت.»

هما ما را به درون اتاقی برد که پر بود از کتاب. اشاره ای کرد و گفت: "بسیاری از این کتاب ها مال پدر است. هنوز هم چیزهای زیادی از پدر می شود از لایه لای این کتاب ها بیرون آورد."

هما گفت: "بابا، زمانی سردبیر فرهنگستان زبان بود و واژه های بسیاری را جایگزین واژه های وارداتی علوم طبیعی کرد. لایه لای کتاب های کتابخانه، پر است از برگه هایی که واژه های فارسی جایگزین واژه های بیگانه شده است، بابا عاشق ایران بود و می خواست ایرانی تا همیشه ایرانی بماند با فرهنگ، زبان و سنت های ویژه ی ایرانی."

هما گل گلاب، درون همان اتاقی که پر از کتاب بود، یک رایانه داشت، روشن کرد، پشتش نشست و یک سری چیزها را نشانمان داد. هما عکسی از آرامگاه حسین گل گلاب را نشان داد و گفت: "پیدا کردن آرامگاه بابا چندان سخت نیست، روی آرامگاهش نوشته ایم: ای ایران ای مرز پر گهر."

ساعت ۳ پسین رفته بودیم به خانه ی دختر حسین گل گلاب. نزدیک به ۳ ساعت و نیم درباره ی خودش و پدرش به گفت و گو نشستیم، هنگامی که داشت بدرقه مان می کرد، همان لبخندی را بر لب داشت که به هنگام ورود با آن، روبه رو شده بودیم.

سرمان را به زیر انداختیم و راهی شدیم ولی امروز که این مطلب را نوشتم به یاد آن گفت و گو که همه اش پیرامون ایران و منش ایرانی و سرود ای ایران بود، با خودم گفتم امروز چه روز خجسته ای است، امروز روز ای ایران است، روزی که باید بایستیم، دست بر سینه بگذاریم و بخوانیم:

آپارتمان هما خیلی بزرگ نبود اما گلدان های سبزی که از در و دیوار آویزان بود، آنچنان بودند که آپارتمان بودن این خانه، به چشم نمی آمد. هما گفته بود که عشق به ایران ژنتیکی است و من با وجود این همه سبزینه، فهمیدم که عشق به گیاهان هم ژنتیکی است.

این آپارتمان کوچک یک بالکن کوچک هم داشت پر از گلدان و گیاه و البته یک عالمه سی دی که از نخ آویزان بود و به هر جنبش بادی تکان می خورد و برق می زد. از همان آغاز می خواستم بدانم داستان این سی دی ها چیست اما تا پایان گفت و گو دندان روی جگر گذاشتم تا این که سرانجام فهمیدم که اینها آنجا آویزان شده اند تا پرنده ها کاری به سبزی های تره و شاهی و گلدان های گل هما خانم نداشته باشند.

هما گفت: من ایران را دوست دارم و همچون همه ی ایرانی ها این هوا و جو را دوست دارم. اینها باعث زندگی من است.

هما گفت: پدرم گیاه "پرسیاوشان" را فرای همه ی گیاهانی که پرورش می داد، دوست داشت.

همیشه در دفتر کارش، روی میزش، همان جایی که پر بود از دفتر و کتاب و نوشته، یک گلدان پر سیاوشان داشت، سبز سبز.

هما خودش هم دو سه تا گلدان پر سیاوشان دارد. یکی را درون آشپزخانه گذاشته. از او خواستیم تا به گلدان آب بدهد تا از او و این گلدان سبز، عکس بگیریم. هنگامی که داشت به گلدان آب می داد، آنچنان با احساس بود که یک لحظه خواستیم تا به جای پرسیاوشان توی آن گلدان باشیم.

هما گفت: بابا در دارالفنون درس خوانده بود، دیپلم گرفته بود و در دارالفنون تدریس می کرد. لیسانس حقوق و علوم سیاسی هم داشت و همچنان در دارالفنون آموزگار بود. بعدها دکترای علوم گرفت، معاون دانشکده ی پزشکی بود، هموند انجمن موسیقی ایران و در کنار همه ی اینها یک ایرانی بود که ایران را بی چون و چرا دوست داشت.

هما گل گلاب گفت: همیشه سر خاک بابا که می رویم پیش از هر کاری سرود ای ایران را می خوانیم. بابا، با «ای ایران» تا همیشه زنده و ماندگار است.

هما سروده ی ای ایران به خط حسین گل گلاب را نشانمان داد، دست نوشته ای که از نگاه من یک گوهر است. سروده ی آذربادگان هم بود.

هما، برایمان از حسین گل گلاب عکسی را آورد که خودش خیلی دوست داشت و آن را در کنار دست نوشته های پدرش گذاشت، دست نوشته هایی که حسین گل گلاب در آن، با سال و روز تولدش آغاز کرده و چنین نوشته است: "تولد من ۱۷ ربیع الاول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه تحقیقاتی علوم انسانی

ای ایران، ای مرز پرگهر / ای خاکت سرچشمه ی هنر /
دور از تو اندیشه ی بدان / پاینده مانی و جاودان /
ای دشمن ارتو سنگ خاره ای من آهنگم / جان من فدای خاک پاک میهنم /
مهرتو چون شد پیشه ام / دور از تو نیست اندیشه ام /
دور راه تو کی از زشی دارد این جان ما / پاینده باد خاک ایران ما /
سنگ کوهت در و گوهر است / خاک دشتت بهتر از ز راست /
مهرت از دل کی برون کنم / برگوبی مهرتو چون کنم /
تا گردش زمین و در آسمان به پاست / نور ایزدی همیشه رهنمای ماست /
مهرتو چون شد پیشه ام / دور از تو نیست اندیشه ام /
دور راه تو کی از زشی دارد این جان ما / پاینده باد خاک ایران ما /

